

هو الظاهر من الأفق الأعلى

نار مشتعل و نور لائح آفتاب بیان از افق سماء معانی مشرق ولكن كل از او محجوب و ممنوع امروز قلم اعلى از ذروه عليا با رایت آنه هو الله ظاهر و هویدا فضلی ظاهر شده که شبه آن در امکان ظاهر نه ابصار را رمد هوی از مشاهدۀ افق اعلى منع نموده این الآذان الواعية و این الأبصار الحديدية و این القلوب المنيرة یا ايها الناظر الى الوجهه در حزب فرقان تفکر نما چه مقامرا ادعا مينمودند و در يوم جزا چه از ایشان ظاهر شد قد ارتكبوا ما ناح به اهل الفردوس و حظائر القدس شهد بذلك ام الكتاب فى المآب در قرون و اعصار بسب يكديگر مشغول و بذکر قائم ناطق و بكلمۀ عجل الله فرجه ذاكر و چون آفتاب ظهور از افق عالم اشراق نمود و مكلم طور ندا فرمود علما طراً و تابعين بلعن و سب نقطۀ وجود و مالك غيب و شهود قيام نمودند بالأخره بر سفك دم اطهرش فتوى دادند در مراتب علم علما از صدر اسلام الى يوم ظهور تفکر لازم از جابلقا ميطليبدند از شیراز ظاهر در جابلصا تجسس مينمودند از بطن ام متولد و اگر نفسی به غير ما عندهم تكلم مينمود بر كفرش فتوى میدادند الا انهم من الأخسرین فى كتاب الله رب العالمين حال بعد از زحمتهای زیاد حق جلّ جلاله بعضی را بسلاسل حکمت و بیان از شمال گمراهی يمين آگاهی کشيد و چون فى الجملة امر ظاهر مجدّد معرضين اهل بيان بهمان اوهامات مشغول طوبی از برای نفوسیکه حجابات و سبحات و شبهات ایشانرا از منزل آیات منع نمود انا ذکرناک مرّة بعد مرّة و انزلنا لک فيهذا الحين ما يبقی عرفه بدوام اسماء الله الحسنی و صفاته العليا بايد حزب الهی همّت نمایند و بقدر وسع ناس را از مظاهر اوهام و ظنون حفظ نمایند اشکر الله بذکری اياک و توجّهی اليک من شطر سجنی الأعظم و کن من الحامدين قد قدر لک ما يسترّ به فؤادک و تقرّ عينک فضلاً من لدى الله الغفور الكريم البهاء المشرق من افق سماء عنایتی عليك و على الذين فازوا بالاستقامة الكبرى فيهذا الأمر الذى به اضطريت افتدة علماء الأرض و فقهاءها الا من شاء الله المقتدر القدير